

عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه با تأکید بر عوامل مکانی - فضایی (نمونه موردی: شهرستان کرمان)

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۱، مهرداد محمدی سلیمانی^{۲*}

۱- استادیار بخش علوم جغرافیایی و سنجش از دور، دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

چکیده

مشارکت جوانان و نوجوانان که به معنی روند درگیر ساختن آنان در تعیین سرنوشت خود و احساس مسئولیت نسبت به این سرنوشت بیان شده، امروزه در سطح جامعه و مجامع علمی از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که از آن به عنوان هدف و وسیله توسعه نام می‌برند. برای تحقق این امر، شناخت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان لازم و ضروری است. در این راستا مقاله حاضر با استفاده از روش‌های تحلیلی توصیفی با تأکید بر بررسی عوامل مکانی-فضایی (میزان بهره‌مندی از خدمات، محل سکونت، فاصله تا مرکز شهرستان و نوع روستاها)، به سایر عوامل از جمله عوامل روانشناختی (انگیزه‌ها، ارزشها، اعتماد و اطمینان، عزت نفس، پاداش و ...) و عوامل اجتماعی - اقتصادی (پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سطح تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و ...) که بر میزان مشارکت مؤثر هستند پرداخته است.

نتایج حاصل که از طریق تجزیه و تحلیل آماری و با استفاده از آزمونهای مختلفی چون اختلاف میانگین و ضریب همبستگی به دست آمده نشان‌دهنده اشتیاق جوانان و نوجوانان روستایی برای سهم شدن در فعالیتهای مشارکت‌جویانه و ایفای نقش در مشارکتهای اجتماعی از یک سو و کمبود امکانات و تسهیلات و نیز سهم اندکی که در فعالیتهای مشارکت‌جویانه دارند از سوی دیگر است.

کلید واژه‌ها: مشارکت، جوانان و نوجوانان، برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی توسعه، عوامل مکانی و فضایی، سازمانهای غیردولتی، ایران، کرمان.

۱- مقدمه

در ادبیات توسعه بویژه توسعه پایدار، واژه مشارکت، نقش کلیدی پیدا کرده، به طوری که

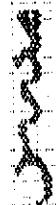


یکی از سه رکن توسعه انسانی پایدار را تشکیل می‌دهد و دو عنصر دیگر، یعنی مردم و منابع به علت داشتن نقش ساختاری مشارکت در چارچوب آن به فعلیت مطلوب درمی‌آیند. پیشینه این واژه و مفهوم آن با طرح مقوله «توسعه» پیوند خورده بویژه از دهه ۱۹۶۰ که با رویکرد رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی مطرح گردید و همگام با تحولات توسعه و ابعاد آن چون توسعه اقتصادی اجتماعی و بالاخره توسعه پایدار، تحول وسیعی یافت، به طوری که در توسعه پایدار، مشارکت را هدف و وسیله توسعه می‌شمارند. در واقع، مفهوم مشارکت نیز مانند توسعه مفهومی چند بعدی است [۱، ص. ۲۲]. تفاسیر و برداشتهای مختلفی با توجه به نظریه‌های توسعه از آن وجود دارد. اما به طور کلی مشارکت را می‌توان روند درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و احساس مسئولیت نسبت به این سرنوشت تعریف کرد که با هدف مقاله همخوانی نزدیکی دارد. چنان که گفته شد مشارکت در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی مطرح است و از سوی دیگر در توسعه پایدار و پارادایم مشارکتی، مشارکت در تمام مراحل و فعالیتهای آن مرحله تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تا نظارت و ارزشیابی ضروری است.

در کشور ما نیز با توجه به ساختار سنی جمعیت (جوانگرایی) و نیز اهمیت مشارکت جوانان روستایی در برنامه‌های مربوط به توسعه روستایی و توسعه کشاورزی، اهمیت و ضرورت شناخت نیازها و ویژگیهای این گروه در جهت مشارکت آنان در امور مربوط به توسعه و تصمیم‌گیری و فرایند برنامه‌ریزی مشخص می‌گردد.

این مقاله با در نظر گرفتن موارد بالا و نیز درک این مطلب که شناخت نیازهای هر فرد و یا گروه می‌تواند تأثیر سازنده‌ای بر رفع مشکلات و مسائل آنها داشته باشد، سعی در رفع و شناسایی نیازهای خاص جوانان و نوجوانان روستایی با هدف مشارکت آنان در شناسایی، ارزیابی، تحلیل، و ارائه راه‌حلهای کارشناسی و به طور کلی در فرایند تصمیم‌گیری از طریق سازمانهای غیردولتی و خاص جوانان، دمکراتیزه کردن و نهادینه نمودن مشارکت دارد و می‌کوشد از بعد مکانی - فضایی نیز فرایند مشارکت جوانان روستایی را مشخص نماید. بر این مبنا، فرضیه‌های زیر مدنظر قرار گرفت.

۱. بین موقعیت مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی رابطه وجود دارد.
۲. بین بنیانهای اقتصادی و فرهنگی خانواده و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی رابطه وجود دارد.



۳. بین ویژگیهای فردی و شخصیتی و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی رابطه وجود دارد.

۲- مبانی نظری

توجه به مقوله مشارکت و مردم محوری از دهه‌های ۱۹۶۰ به بعد همراه با مقوله توسعه گسترش یافت و در این میان، توجه به اقشار کم‌درآمد و فقیر و زندگی آنان از طریق مشارکت خود آنان مورد توجه قرار گرفت [۲، ص. ۱] و کشورهای مختلفی به صورت مستقل و یا تحت نظارت سازمان ملل، فعالیتهای گسترده‌ای در زمینه مشارکت و مشارکت جوانان بخصوص روستاییان انجام دادند. از جمله این کشورها می‌توان از فیلیپین، تایلند، ویتنام، کامبوج، نیوزلند، چین، هند، تایوان و کره نام برد (جدول ۱) [۳].

جدول ۱ نمونه‌ای از تجارب موفق مشارکت جوانان در کشورهای جهان

ردیف	نام کشورها	سال	حوزه مشارکت
۱	فیلیپین، تایلند، چین	۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶	الف) بازتولید، بهداشت و سلامتی
۲	تایلند، ویتنام	۱۹۷۱، ۱۹۹۹	ب) چگونگی مصرف دارو
۳	کامبوج، هند، نیوزلند، فیلیپین، تایلند	از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸	ج) تعلیم و تربیت و آموزش
۴	کامبوج، نیوزلند، فیلیپین	از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱	د) مشارکت جوانان در ابفاد سیاسی، تحقیق، رهبری، مهارتها، سازماندهی و ...

در این زمینه، یعنی فرایند مشارکت، ده اولویت به ترتیب در حوزه‌هایی چون مصرف دارو، جرمهای جوانی، اوقات فراغت، آموزش، اشتغال، فقر و گرسنگی، بهداشت، محیط، دختران و زنان جوان و مشارکت مؤثر و کامل جوانان در زندگی اجتماعی و تصمیم‌گیری در مطالعات و برنامه‌ریزیهای خود مورد توجه قرار گرفته است [۴ و ۵]. در مورد وجود یا فقدان مشارکت در ایران نیز سخن بسیار گفته شده است. برخی با توجه به روحیه جمعی، خونگرمی، روابط خویشاوندی و مناسبات اعتقادی، معتقد به وجود عمل جمعی و مشارکتی بوده‌اند و برخی با توجه به ویژگیهای شخصیت ایرانی و وجود ساختار سیاسی - اجتماعی



حاکم، اعتقاد به فقدان همیاری و همکاری ایرانیان داشته و دارند. به هر صورت، با گسترش مباحث توسعه در ایران مطالعات زیادی در مورد مشارکت روستاییان با دیدگاه‌های مختلف انجام گرفته است که از آن میان می‌توان به برخی از تحقیقات انجام شده اشاره کرد: جواد صفی‌نژاد در مطالعات بنه‌شناسی خود، مشارکت روستاییان را ناشی از شرایط اقلیمی (کمبود منابع آب و خاک) و ساختار نهادی روستاهای ایران دانسته است؛ مرتضی فرهادی مشارکت روستاییان را ناشی از یک پیشینه تاریخی - اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌داند؛ موسی عنبری در رساله کارشناسی ارشد خود شرایط اقتصادی و خانوادگی را در میزان مشارکت مؤثر دانسته است؛ مسعود کوثری میزان انسجام اجتماعی را بر میزان مشارکت مؤثر می‌داند؛ و آقاسی‌زاده و محمود ربانی در رساله کارشناسی ارشد خود، میزان سواد و آموزش را در میزان مشارکت روستاییان مؤثر دانسته‌اند. از طرف دیگر، سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف به نحوی مشارکت روستاییان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند که از این میان وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان بهزیستی و شورای عالی جوانان و ... را می‌توان نام برد. شورای عالی جوانان که مسئولیت سیاستگذاری و هماهنگی امور جوانان را به عهده دارد در سال ۱۳۷۵ به بررسی وضعیت موجود جوانان روستایی پرداخته که در آن، مسائلی چون جمعیت جوان، آموزش، اشتغال، باروری، مهاجرت روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین گروه بررسی مسائل جوانان روستایی سعی در شناسایی وضعیت موجود جوانان و زمینه‌های حضور آنان در فعالیتهای عمرانی کرده است. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در اغلب این تحقیقات، یک چارچوب از پیش تعریف شده‌ای را که در برخی موارد به ضرورت مسئولان در قالب تأسیس و ایجاد نهادها و ... تعیین شده است به چگونگی مشارکت جوان روستایی در این نهادها پرداخته‌اند. اما در این مقاله با توجه به ساختار جمعیت روستایی (جوانگرایی) و نیز لزوم مشارکت آنان، علاوه بر بررسی عوامل اجتماعی، روانی و اقتصادی مؤثر در مشارکت، به جنبه‌های جغرافیایی، یعنی عوامل (مکانی - فضایی) مؤثر در میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی نیز توجه شده است که می‌توان آن را در چارچوب تکامل تحقیقات انجام شده دانست. با این پیشینه مطالعاتی، مشارکت در معنی لغوی عبارت است «کمک فعال و واقعی شخص به یک عمل». در متون مختلف از مشارکت تعاریف متعددی صورت گرفته است که هر کدام از این تعابیر و تعاریف با توجه به رویکرد نظری و تجارب شخصی از دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده که به طور اجمالی به برخی از آنها اشاره می‌شود:



مشارکت عبارت است از «فعالیت‌های آزادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محوله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند» [۶، ص. ۹۲] یا مشارکت فرایند مداخله اجتماعی خلاق به وسیله افرادی است که به تعیین و برآورد ساختن نیازهای خود علاقه‌مندند و آن‌ها به عنوان یک سهیم شدن انفعالی در فعالیت‌های طراحی شده توسط دیگران و صرفاً بهره‌برداری از ثمرات فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، بلکه نوعی پیش قدم شدن در تصمیم‌گیری راجع به کار با چگونگی انجام کار می‌باشد [۲، ص. ۶۸]. در بعد توسعه روستایی نیز از مشارکت به عنوان دخالت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرای طرحها، سهم آنها از منابع طرحهای توسعه و مداخله آنها در ارزیابی این‌گونه طرحها یاد می‌شود [۲، ص. ۲۳]. همچنین مشارکت عبارت است از برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان روستاییان جهت پاسخگویی به طرحهای توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی است یا مشارکت جوانان فرایندی است که دامنه افزایش توانایی و دخالت داوطلبانه جوانان را در پیشگامی ورود به جامعه، تصمیم‌گیری و منابعی که در زندگی آنها تأثیرگذار است، فراهم می‌کند. به طور کلی آنچه در این تحقیق از مفهوم مشارکت مدنظر است، حضور و دخالت داوطلبانه، آگاهانه و خلاق، متعهدانه جوانان و نوجوانان روستایی در تصمیم‌گیریها، برنامه‌ریزیها و فعالیت‌های گوناگون قابل انجام در سازمانهای مختلف دولتی و سازمانهای محلی اجتماع یا منطقه خود از یک سو و حضور و همسویی با تفکرات و ایده‌ها و تصمیم‌گیریها و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی از سوی دیگر است. در نهایت باید گفت، مشارکت، فرایند درگیر شدن و شرکت متعهدانه مردم بویژه جوانان در فرایند تصمیم‌گیری است [۷، ص. ۱۴۷].

با عنایت به تعاریف مشارکت، چندین اصطلاح نیز وجود دارد که در فرهنگ مشارکت در ایران از آنها نام برده می‌شود و گاهی معادل مشارکت تعبیر و تعریف شده‌اند بخصوص در نواحی روستایی که این واژه‌ها بیشتر به کار برده می‌شوند. از جمله اینها واژه‌هایی چون همیاری، دگریاری و خودیاری هستند که اشکال خاصتری از مفهوم و سطح مشارکت را در بر دارند و مفهوم مشارکت عامتر از این اصطلاحات است و این مفاهیم در داخل مفهوم مشارکت و یکی از اشکال و جلوه‌های آن بشمار می‌روند.

با توجه به پیچیدگی مفهوم مشارکت، این امر از جهات و جنبه‌های مختلف بر حسب ملاکهای متعدد دارای تقسیم بندیها و جلوه‌های گوناگونی است.



انواع مشارکت بر حسب انگیزه‌های ایجاد آن به دو دسته مشارکت برونزا و مشارکت درونزا تقسیم‌بندی می‌شود.

مشارکت بر حسب چگونگی دخالت مردم به مشارکت مستقیم و مشارکت غیرمستقیم تقسیم می‌گردد.

انواع مشارکت بر حسب سطوح جغرافیایی عبارت است از: مشارکت همسایگی، مشارکت محلی (روستایی)، مشارکت منطقه‌ای، مشارکت ملی و مشارکت بین‌المللی.

بر حسب کیفیت - همکاری، مشارکت به مشارکت طبیعی، مشارکت خودانگیخته، مشارکت داوطلبانه (ارادی)، مشارکت برانگیخته، مشارکت اجباری (تحمیلی) و مشارکت ابزاری تقسیم می‌شود [۸، صص. ۲۴-۳۴].

انواع مشارکت بر حسب موضوع و قلمرو اجرایی به مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی و مشارکت اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شود [۶، صص. ۷۰-۷۲؛ ۹، صص. ۷۰-۷۲].

همچنین مشارکت دارای مراحل است که شامل مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در اجرای عملیات، مشارکت در ارزیابی و مشارکت در منافع می‌باشد.

باید گفت بررسی مسائل، مشکلات و نیازهای جوانان و نوجوانان که قشر وسیع و فعال جامعه ما را تشکیل می‌دهند از اولویتهای خاصی برخوردار است. جوانی مرحله بعد از کودکی و قبل از شروع بزرگسالی است. جوان در مرحله‌ای به سر می‌برد که از یک طرف به دلیل مسائل فیزیولوژیکی و از طرف دیگر به دلیل تحولات فکری، خود را به عنوان یک نیروی خلاق و مؤثر در جامعه قلمداد می‌کند. برای واژه جوان، تعاریف متعددی صورت گرفته است. نوجوانی اغلب به عنوان دوره بین بچگی و بزرگسالی تعریف می‌شود [۱۰، ص. ۴۹]. به طور کلی می‌توان گفت جوانی از لحاظ اجتماعی رشد یافته است که دارای خصوصیات و ویژگیهای زیر باشد:

آرمانگرا، خوداتکا و مستقل، مسئولیت‌پذیر، میانه‌رو و معتدل، آینده‌نگر، تعاونگر و همکاری طلب و جستجوگر برای احراز هویت تازه و ایفای نقش در جامعه [۱۱، صص. ۲۱-۲۳].

برخی از روانشناسان اجتماعی معتقدند هر رفتاری که از انسان سر می‌زند به منظور برآوردن یکی از نیازها و خواستههای فیزیولوژیکی و فکری او می‌باشد و از این رو به نیازهای دوره جوانی به این نحو اشاره دارند [۱۱، صص. ۳۰-۳۶].

- نیاز به مهربانی و محبت،

- نیاز به امنیت و آسایش خاطر،

- نیاز به احساس تعلق داشتن و مورد قبول گروه همسالان واقع شدن،

- نیاز به قابلیت و احترام،

- نیاز به استقلال،

- نیاز به تشخیص و قدردانی،

- نیاز به مذهب و فلسفه حیات،

- نیاز به داشتن هدفی مشخص در زندگی،

- نیاز به احساس هویت و شناخت خود،

- نیاز به احساس رشد، کمال و خودشکوفایی.

با عنایت به مطالب پیش گفته و متون توسعه و دیدگاههای موجود، عواملی را که در میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی مؤثرند در کل می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. عوامل فردی - روانشناختی (انگیزش، نیازها، پاداشها، اعتقادات مذهبی و اعتماد عمومی).

۲. عوامل اجتماعی - اقتصادی (پایگاه اجتماعی - اقتصادی، نوع خانواده، سواد و میزان تحصیلات، شغل و حمسور در سازمانهای غیردولتی [۱۲]، ص. ۸۴؛ ۱۳، ص. ۴].

۳. عوامل مکانی - فضایی (جغرافیایی). این عوامل به دو بخش عوامل طبیعی آب و هوا (اقلیم) شامل منابع آب و خاک، تیپ روستاها و بعد فاصله تا نزدیکترین شهر و عوامل انسانی محل سکونت (شهر یا روستا) شامل میزان برخورداری از خدمات رفاهی و تأسیسات زیربنایی و جمعیت تقسیم می‌شوند [۱۴، ص. ۵]. حال با توجه به این عوامل می‌توان دیدگاههای موجود در هر یک از علوم را که به این مقوله (مشارکت) توجه کرده‌اند، مورد بررسی قرار داد [۱۲، ص. ۷۰؛ ۱۴، صص. ۵-۱۴؛ ۱۵، ص. ۲۸۴]:

۱. دیدگاه روانشناختی که مشارکت جوانان و نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن را بر حسب زمینه‌های روانشناختی، شخصیتی، انگیزه‌ها و نگرشهای فردی بررسی می‌کند و افرادی چون مک‌کله‌لند، هیگن، ریمون فرست، واینکلس از این دیدگاه به مشارکت نگریسته‌اند.

۲. دیدگاه جامعه‌شناختی که مشارکت جوانان و نوجوانان را بر حسب عوامل بیرونی و اجتماعی نظیر سواد، وسایل ارتباط جمعی، رشد اقتصادی، زمینه‌های خانوادگی و ... تبیین می‌کند و افرادی چون دانیل لرنر (شهرنشینی، سواد) و ماکس وبر از این منظر به مشارکت نگریسته‌اند.



۳. دیدگاه علوم سیاسی که در این دیدگاه بر ساخت قدرت حاکم و تکوین، نوسازی و نهادمندی فعالیت‌های انسانی تأکید شده است و اشکال مشارکت را در اموری چون انتخابات، اعمال نفوذ و فعالیت‌های سازمانی و حزبی و ... می‌دانند و افرادی چون هانتینگتون (نوسازی و نهادمندی)، مارتین لیپست (انسان سیاسی) و رابرت دال (عوامل موافق مشارکت) از این دیدگاه پدیده مشارکت را بررسی کرده‌اند.

۴. دیدگاه فضایی - مکانی: این دیدگاه نقش عوامل مکانی و بسترهای مکانی، نوع و تیپ مکانها، دسترس‌یها و فاصله مکانی سکونتگاهها با یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد. در این دیدگاه، اهمیت پذیرش هنجارهای محلی و ساختار محلی برای توسعه مشارکت لحاظ می‌شود و اهمیت منافع اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مشارکت برای جمعیت محلی بویژه جوانان و نوجوانان روستایی توأم با ملاحظات محیطی مدنظر قرار می‌گیرد.

در این میان، ارتباطات و دسترس‌یها در نظام سلسله مراتب سکونتگاهی و مدیریت سرزمین (شهر - روستا - منطقه‌ای و ملی) از اهمیت کانونی برخوردار است، بدین صورت که تداوم زنجیره‌ای حرکت (ارتباطات) به عوامل بستگی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. انتقال اطلاعات پیرامون کمیت و کیفیت تقاضای جوانان و نوجوانان روستایی در میان خود، مسئولین، نهادها و ...
۲. حرکت منابع، کالا و خدمات و ... از سکونتگاهها (مراکز تولید) به مراکز تقاضا (سکونتگاههای روستایی - شهری) و مصرف. این زنجیره دسترس‌یها که از عوامل به وجود آورنده حرکت یا نیروهای کشش و کنش عرضه و تقاضا و عوامل محدودکننده حرکت یا نیروهای رانش و یا اثر اصطکاکی مسافت متأثر هستند، نقش مهمی را در تعادل بخشی یا عدم تعادل بخشی در حرکت از جمله مشارکت جوانان روستایی بازی می‌کنند؛ بدین صورت است که توزیع کالا و خدمات از دو عامل کلیدی پراکنش مکانی و فضایی، میان عرضه کنندگان و متقاضیان، از یک سو و پراکنش موقتی (وجود اختلاف زمانی میان عرضه و تقاضا) از سوی دیگر، نقش مهمی را در فرایند بهبود و یا کاهش ارتباطات از جمله مشارکت بازی می‌کند. این عوامل بر اساس قوانین ترمودینامیک، به در هم ریختگی و بی‌نظمی در نظام مشارکت که همواره در حال رشد است کمک می‌کنند و آثار خود را بر سکونتگاههای انسانی بویژه روستاها

که یکی از مصادیق بارز آن، رفتار مشارکتی است، می‌گذارند و تنها در صورت ایجاد یک رابطه صحیح داده - ستاده و استفاده از ساز و کار بازگشت و اصلاح و تطبیق خدمت و امکانات و نیاز این مشکل حل می‌شود. در این میان، تسهیلات زیربنایی نقش مهمی در تعادل بخشی به نظام توزیع امکانات (آرایش امکانات) و کاهش تأثیر دو عامل کلیدی در اختلال نظام توزیع بویژه کالا و خدمات مورد نیاز جوانان ایفا می‌کنند. از طرف دیگر، نقش زیربناها بویژه راه و امکان دسترسی یا خطوط ارتباطی میان مکانها (اصل، اكمال متقابل یا همگرایی متقابل یا مکمل بودن مکانها) را تسهیل می‌نماید که نه تنها ارتباطات و بویژه مشارکت روستایی را بهبود می‌بخشد، بلکه انگیزه ماندگاری در روستاها را نیز بالا می‌برد.

سرانجام باید گفت در این دیدگاه نسل جدید روستایی که در حال پذیرش نوعی فرهنگ توسعه یافتگی است، با فراهم شدن فرصت در درون روستاها و حمایت از آنها، با تدوین هنجارهای خود، زمینه‌های فرهنگی مناسبی از جمله فرهنگ مشارکتی را برای توسعه روستایی فراهم می‌نماید و موجب توسعه روستایی می‌شود و اگر در درون روستا فرصت بروز نیابد، به دنبال امکانات مناسب، از روستا خارج می‌شود و زمینه را برای خالی شدن روستا و بحرانهای اکولوژیکی و اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی آماده می‌سازد. نظر به اینکه در بسترسازی فرایند مشارکت مردمگرا بویژه مشارکت جوانان، دولت‌ها می‌توانند نقش مهمی داشته باشند - چرا که به قول هاگس، تحقق مشارکت وابستگی مهمی به گرایشهای حکومت دارد و وابسته به تقویت قانونی، سیاسی و دسترسی به منابعی چون زمین، سرمایه، اطلاعات و مهارت و ... است - برخورد دولت‌ها با فرایند مشارکت با توجه به ساختار دولت‌ها و درجه توسعه یافتگی کشورها و گذشت زمان دارای تفاوت‌هایی است، تا جایی که میدگلی^۱ بر مبنای نوع پاسخ دولت‌ها به مشارکت آن را به چهار دسته ضد مشارکتی، مشارکتی هدایت شده، مشارکت فزاینده و مشارکت واقعی تقسیم‌بندی کرده است [۱، ص. ۲۵۲؛ ۱۴، ص. ۱۱] که در این مقاله، نوع چهارم آن، یعنی مشارکت واقعی - هر چند نوع آرمانی است - مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که در این نوع مشارکت با رویکرد کثرتگرایی، ترکیبی از تعهد سیاسی دولت به فرایند مشارکت که توأم با ابتکارات



محلی است، و متضمن واگذاری واقعی قدرت به مردم بویژه جوانان از طریق نهادهای محلی است. متضمن واگذاری واقعی قدرت به مردم بویژه جوانان از طریق نهادهای محلی است، و تقویت اعضای اجتماع محلی و ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیریهای مرکزی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد و از طریق توجه به تعامل در برنامه‌ریزیهای ملی، منطقه‌ای و محلی ممکن می‌گردد، مشارکت حالت نهادی پیدا می‌کند [۱، ص. ۲۵۲؛ ۲، ص. ۱]. که این امر توسط هارت با استفاده از نردبان مشارکت آرنشتاین^۱ که تأکیدی بر نقش مثبت جوانان در جامعه دارد به صورت نردبان مجازی برای توصیف درگیری شهروندان (جوانان و نوجوانان) در هشت سطح یا پله نردبان، بخوبی ترسیم شده است (مدل ۱) [۱۴، ص. ۹]. در بخش عدم مشارکت، سه سطح وجود دارد که عبارتند از: ۱) سطح دستکاری و درمان، ۲) دکوراسیون (صحنه‌آرایی)، ۳) پذیرش صوری. این سه سطح بر این واقعیت تأکید می‌کنند که جوانان ممکن است در مسائل درگیر شوند، ولی از طریق اطلاعات نامناسب یا نادرست از اهمیت یا اهداف عملکردهایشان غافل بمانند. ۵ سطح یا پله بالاتر این نردبان بر درجات متفاوت مشارکت دلالت دارد که همه آنها مورد قبول هستند و ممکن است برای افراد مختلف با قوه ابتکار متفاوت رخ دهند. در واقع هارت معتقد است برنامه‌ای باید جهت به حداکثر رساندن فرصت برای هر جوان و نوجوان طراحی کرد تا مشارکت در بالاترین سطح توانایی خود را انتخاب نماید. هر چند که این نردبان فعالیت‌های معینی برای دستیابی به سطوح مختلف تعیین نمی‌کند، اما توصیف هارت نمونه‌ای مفید برای طراحی و ارزیابی تلاشها جهت مشارکت مؤثر جوانان است. آنچه در این مقاله مورد توجه است آزمون حداکثر کردن مشارکت جوانان و نوجوانان به عنوان یک راهبرد جهت ماندگاری ایشان در روستاها با پذیرش نوعی فرهنگ توسعه یافتگی است که با شاخصهایی چون افزایش میزان انتخاب، رضایتمندی، حداکثر کردن تصمیم‌گیری، بالا بردن رشد فکری، افزایش آگاهیهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ایجاد فرصتهای مؤثر در تصمیم‌گیری، رعایت احترام، ایجاد حساسیت و عقلانی کردن ساختارها و فرایندهای جوانان (بلوغ)، افزایش آموزشها و مهارتهای توسعه‌ای، افزایش میزان درگیری و مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی، فراهم کردن فرصتهایی برای ایجاد حمایتهای فعال میان جوانان و سایر گروههای سنی بویژه گروههای سنی



بالا (کاهش گسست نسلی)، افزایش مفهوم تعلق خاطر به سکونتگاه، وطن و احساس مالکیت در جوانان، فراهم کردن تحلیل و نقد علمی در جوانان، فراهم کردن منابع مناسب از جمله زمان، مکان، اعتبار و اطلاعات برای تشویق اقدامات محلی و ... همراه است [۴ و ۵].

۳- روش تحقیق

نظر به ویژگیهای موضوع مورد مطالعه و تعداد عوامل و متغیرها از روشهای مختلفی که در مطالعات رشته علوم انسانی مطرح است، استفاده شده است. از جمله اینها استفاده همزمان از شیوه‌های اسنادی^۱ و شیوه پیمایشی^۲ می‌باشد. همچنین از شیوه مشاهده مستقیم جهت تعیین نوع روستاها نیز استفاده شده است. بدین ترتیب روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است.

جامعه آماری تحقیق شامل جوانان و نوجوانان تحت پوشش مجتمعات روستایی سازمان بهزیستی شهرستان کرمان است که در بیست نقطه روستایی و سه نقطه شهری ساکنند و ۲۷۰ نفر را شامل می‌شود که از این افراد، حجم نمونه آماری به تعداد ۱۵۶ نفر با

استفاده از فرمول
$$n = \frac{N.t^2.p.q}{(N-1)d^2 + t^2.p.q}$$
 انتخاب گردید و مورد بررسی و تجزیه و

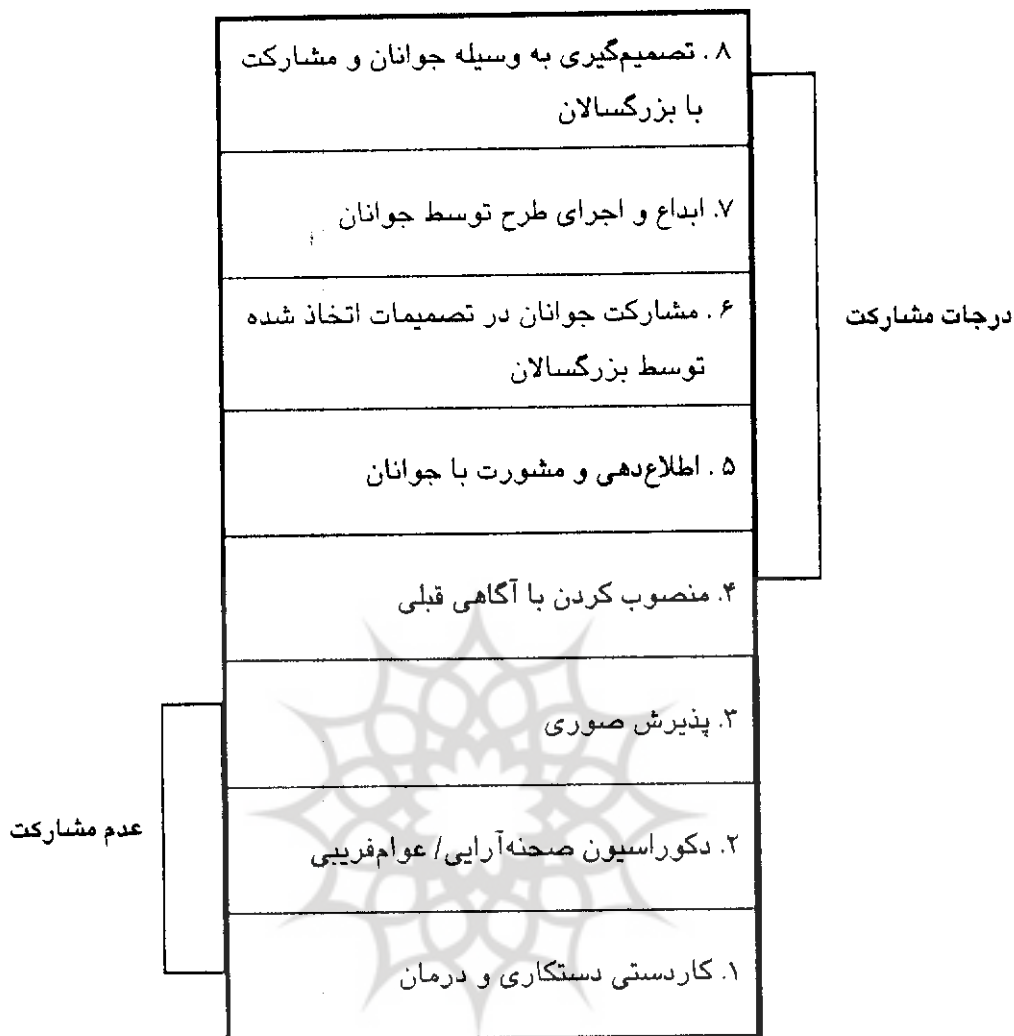
تحلیل قرار گرفت.

در تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشها و تکنیکهای متداول آماری موجود در مجموعه آماری علوم اجتماعی، مانند ضریب همبستگی، آزمون فریدمن، کروسکار والیس، و یو-من-ویتنی استفاده گردید.

در تحقیق حاضر، زمینه‌های اقتصادی، روانشناختی، فرهنگی و جغرافیایی به عنوان متغیرهای مستقل و میزان مشارکت به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار گرفته است. همچنین متغیرهایی چون شغل سرپرست خانواده، میزان زمین کشاورزی، سطح سواد، میزان استفاده از وسایل الکتریکی موجود منزل، محل سکونت (شهر یا روستا)، فاصله تا مرکز شهرستان، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان علاقه، انگیزه و ارزش مورد بررسی قرار گرفته‌اند (مدل ۱) و میزان خدمات نیز از طریق محاسبه شاخص خدمات و شاخص مرکزیت برای هر یک از روستاهای مورد مطالعه به دست آمده است.

1. Documantory

2. Survey



شماره ۱ نردبان مشارکت هارت

رتال جامع علوم انسانی

۴- آزمون فرضیه‌ها

با توجه به فرضیه اول که بین موقعیت مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی شهرستان کرمان رابطه وجود دارد، نتایج به دست آمده نشان داد که بین عامل شاخص خدمات و فاصله تا مرکز شهرستان رابطه معنی‌داری وجود دارد، یعنی با افزایش خدمات، میزان مشارکت جوانان نیز افزایش می‌یابد و با افزایش فاصله از مرکز شهرستان، میزان مشارکت نیز کاهش می‌یابد. دیگر اینکه بین عامل محل سکونت و نوع روستاها از لحاظ توپوگرافی (کوهستانی - دشتی) تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید که در ادامه نتایج آزمونها در جدول شماره ۲ تا ۴ ذکر شده است.

جدول ۲ رابطه بین شاخص خدمات و میزان مشارکت (آزمون کروسکال والیس)

شاخص خدمات	تعداد	میانگین رتبه‌ها
فاقد خدمات	۱۷	۳۷/۲۹
خدمات اندک	۳۰	۲۹/۱۰
خدمات متوسط	۵۵	۴۶/۴۴
خدمات بالا	۲۱	۵۰/۲۷

$$X^2 = 8/837$$

$$df = 3$$

سطح معنی داری = ۰/۰۳۲

از آنجا که $a = ۰/۰۵۰$ و $a = ۰/۰۳۲ < a$ = سطح معنی داری است لذا بین شاخص خدمات و میزان مشارکت رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۳ رابطه بین فاصله روستاها تا مرکز شهرستان (آزمون کروسکال والیس)

شاخص خدمات	تعداد	میانگین رتبه‌ها
۰-۳۰	۲۲	۴۳/۷۵
۳۰-۶۰	۲۱	۲۶/۸۲
۶۰-۹۰	۱۹	۵۱/۸۹
۹۰-۱۲۰	۳۵	۵۲/۳۲
به بالا - ۱۲۰	۴۵	۴۰/۲۵

$$X^2 = 10/44$$

$$df = 4$$

سطح معنی داری = ۰/۰۴۰

از آنجا که $a = ۰/۰۵۰$ و $a = ۰/۰۴۰ < a$ = سطح معنی داری است لذا بین فاصله تا مرکز شهرستان و میزان مشارکت رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۴ رابطه میان محل سکونت (شهر و روستا) و میزان مشارکت (آزمون یو - من - ویتنی)

مشارکت	تعداد	میانگین رتبه‌ها
روستا	۱۵۴	۶۶/۰۸
شهر	۵۰	۶۲/۱۹

Mox whitheyu	۱۸۵۶/۰۱
l	-۰/۵۸۳
سطح معنی داری	۰/۵۶۳

از آنجا که $a = ۰/۰۵۰$ و $a = ۰/۵۶۳ > a$ = سطح معنی داری نیست لذا تفاوت معنی داری مشاهده نمی‌شود.



جدول ۵ رابطه میان نوع روستاها و میزان مشارکت (آزمون یو - من - ویتنی)

مشارکت	تعداد	میانگین رتبه‌ها
روستاهای جلگه‌ای	۹۱	۶۴/۱۶
روستاهای دشتی	۳۷	۶۵/۳۴

Mox-whitheyu	۱۶۵۲/۵
Z	-۱۶۲
سطح معنی‌دار	۰/۱۸۷۵

و از آنجا که $a = 0/050 > 0/1875 =$ سطح معنی‌دار نیست لذا تفاوت معنی‌داری میان نوع روستاها و میزان مشارکت مشاهده نمی‌شود.

طبق فرضیه دوم، بین بنیانهای اقتصادی - اجتماعی و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. تجزیه و تحلیلهای انجام شده نشان داد که بین دو عامل سطح سواد و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی با افزایش سواد و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان مشارکت جوانان و نوجوانان نیز افزایش می‌یابد و دیگر اینکه بین عامل شغل و پایگاه اقتصادی و میزان مشارکت تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید که علت آن می‌تواند ناشی از وضعیت یکسان شغلی و اقتصادی جامعه مورد مطالعه باشد (جدولهای ۵ تا ۸).

جدول ۶ رابطه بین شغل سرپرست خانواده و میزان مشارکت (آزمون کروسکال والیس)

شغل	تعداد	میانگین رتبه‌ها
بیکار، معلول و از کار افتاده	۵۲	۵۷/۶۵
کشاورز	۴۲	۵۶/۹۵
کارگر	۶	۵۶/۵۸
شغل آزاد	۱۲	۴۰/۷۱

$$X^2 = 2/912$$

$$df = 2$$

$$\text{سطح معنی‌داری} = 0/405$$

از آنجا که $a = 0/050 > 0/405 =$ سطح معنی‌دار است لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌گردد.

جدول ۷ رابطه بین وضعیت اقتصادی و میزان مشارکت (آزمون کروسکال والیس)

وضعیت اقتصادی	تعداد	میانگین رتبه‌ها
نامناسب	۴	۶۲/۵۰
وضعیت اقتصادی بد	۴۴	۶۰/۱۸
وضعیت اقتصادی متوسط	۴۸	۵۸/۲۶
وضعیت اقتصادی خوب	۲۰	۵۴/۵۸

$$X^2 = 0/42$$

$$df = 3$$

$$\text{سطح معنی‌داری} = 0/921$$

از آنجا که $a = 0/050 > 0/921 =$ سطح معنی‌دار نیست لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌گردد.



جدول ۸ رابطه بین سواد و میزان مشارکت (آزمون کروسکال والیس)

میزان تحصیلات	تعداد	میانگین رتبه‌ها
بیسواد	۲	۳۴/۷۵
ابتدایی	۲۱	۵۷/۹۵
راهنمایی	۴۷	۶۲/۸۱
دبیرستان	۵۰	۷۲/۸۵
دانشگاهی	۶	۲۰/۸۳

$$X^2 = 13/154$$

$$df = 4$$

$$p = 0/011 < \alpha = 0/050$$

از آنجا که $0/011 < \alpha = 0/050$ سطح معنی‌دار است لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌گردد.

بر طبق فرضیه سوم، بین ویژگی‌های فردی - شخصیتی و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این تحقیق این نتیجه به دست آمد که بین عوامل انگیزه، ارزش و اعتماد و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد، به این صورت که با تقویت این عوامل، میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد، در حالی که بین عوامل سن و جنس و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید (جدولهای ۹ تا ۱۲).

۲۵

جدول ۹ رابطه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت (ضریب همبستگی)

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار
مشارکت و ارتباطات	۰/۴۷۱	۰/۰۰۰

از آنجا که $0 < \alpha = 0/050$ سطح معنی‌دار است لذا بین میزان مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی رابطه معنی‌داری مشاهده می‌گردد.

جدول ۱۰ رابطه بین عامل انگیزه و میزان مشارکت (ضریب همبستگی)

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار
عامل انگیزش	۰/۳۰۸	۰/۰۰۴

از آنجا که $0/042 < \alpha = 0/050$ سطح معنی‌دار است لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌گردد.



جدول ۱۱ رابطه بین عامل ارزشها و میزان مشارکت (ضریب همبستگی)

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار
ارزشها	۰/۴۱۱	۰/۰۰۴

از آنجا که $a = ۰/۰۵۰ < ۰/۰۰۴ =$ سطح معنی‌دار است لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌گردد.

جدول ۱۲ رابطه بین عامل اعتماد به نفس و میزان مشارکت (ضریب همبستگی)

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار
اعتماد به نفس	۰/۲۵۳	۰/۰۱۷

از آنجا که $a = ۰/۰۵ < ۰/۰۱۷ =$ سطح معنی‌دار است لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌گردد.

جدول ۱۳ رابطه عامل جنسیت و میزان مشارکت (آزمون یو - من - ویتنی)

جنس	تعداد	میانگین رتبه‌ها
مرد	۵۸	۶۱/۷۸
زن	۷۰	۶۶/۸۵

Mox-whitheyu	۱۸۷۲/۵
Z	-۰/۷۵۴
سطح معنی‌دار	۰/۴۵۱

از آنجا که $a = ۰/۰۵ > ۰/۴۵۱ =$ سطح معنی‌دار است لذا تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌گردد.

۵- تحلیل یافته‌ها

طبق یافته‌های تحقیق، با افزایش میزان خدمات (زیربنایی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی) میزان مشارکت جوانان و نوجوانان نیز افزایش یافته است.

از سوی دیگر با افزایش فاصله از مرکز شهرستان (مراکز خدمات)، میزان مشارکت جوانان و نوجوانان کاهش یافته است که این امر نشان‌دهنده اهمیت نزدیکی به مراکز شهری و دسترسی به نواحی خدمات رسانی است. البته وجود روستا شهرها و شهرهای کوچک مابین روستاها و مراکز شهرستان می‌تواند تأثیر عامل فاصله تا مرکز شهرستان را کاهش دهد.

نتایج به دست آمده از محل سکونت افراد (شهر و روستا) نشان می‌دهد که تفاوت چندانی بین زندگی در شهر و زندگی در روستا با میزان مشارکت افراد وجود ندارد که این یافته این نظر را که افراد شهری به واسطه زندگی در شهر (استفاده از امکانات و خدمات زیاد) از میزان

مشارکت بیشتری نسبت به افرادی که در روستا زندگی می‌کنند برخوردارند تا حدودی با اشکال مواجه می‌کند. از طرف دیگر، یافته‌های مذکور، فرضیه قبلی مبنی بر اینکه هر مکانی که از خدمات بیشتری برخوردار است، از میزان مشارکت بیشتری نیز بهره‌مند است و نقاط شهری که از خدمات زیادتری برخوردارند مشارکت بیشتری دارند را مورد تردید و ابطال قرار می‌دهد. این تعارض را می‌توان چنین بیان کرد که درست است که نواحی شهری از امکانات بیشتری بهره‌مندند، ولی افراد ساکن در روستاها به واسطه ویژگیهای اجتماعی و روانشناختی خاص خود (روابط خانوادگی و اجتماعی زیاد، سادگی روستاییان، قانع بودن و حتی محرومیت از برخی امکانات و ...) و به طور کلی دور بودن از زندگی ماشینی از انگیزه‌ها و پشتوانه‌های قویتری برای رفع موانع پیش رو در جهت فعالیتهای مشارکت‌جویانه برخوردارند که این ویژگی با میزان خدمات در نواحی شهری برابری کرده و مشاهده می‌کنیم که تفاوت چندانی بین زندگی در شهر و روستا وجود ندارد.

هر چند طبق یافته‌ها، بین نوع روستاها (جلگه‌ای و کوهستانی) و میزان مشارکت رابطه معنی‌داری وجود نداشت، ولی در نوع مشارکت جوانان و نوجوانان تفاوت‌های آشکاری ملاحظه شد؛ از جمله آنکه جوانان و نوجوانان نواحی کوهستانی بیشتر تمایل دارند در طرحها و پروژه‌های عمرانی و عام‌المنفعه (کالبدی) مشارکت کنند و این امر تا حدودی با موانعی که روستاهای کوهستانی به لحاظ ساخت اکولوژیکی از جمله نبود دسترسیها و ... دارند سازگاری دارد. اما جوانان و نوجوانان روستاهای جلگه‌ای به مشارکت در فعالیتهای علمی، تفریحی، ورزشی و مشارکت در برگزاری اعیاد و مراسمها تمایل دارند. شاید یکی از دلایل این امر، محدودیتهای طبیعی موجود در نواحی کوهستانی و نیز امکانات بیشتر در روستاهای جلگه‌ای باشد.

علاوه بر این، نبود این ارتباط ناشی از این است که در منطقه مورد مطالعه روستاهایی با ویژگیهای نوع کوهستانی چندان وجود نداشت و روستاهای کوهستانی موجود هم عموماً از نوع روستاهای نیمه کوهستانی بودند. البته تحلیل این متغیر نیازمند وجود مناطقی کوهستانی و دشتی در کنار هم است.

آنچه از یافته‌ها بر می‌آید حاکی از این است که شغل سرپرست خانواده‌های جوانان و نوجوانان در میزان مشارکت آنان مؤثر نبوده است؛ در حالی که تأثیر عامل شغل بر میزان مشارکت در مطالعات دیگران مورد تأیید قرار گرفته است که علت عدم ارتباط با نوع شغل را می‌توان ناشی از جامعه آماری دانست؛ یعنی افراد مورد سؤال همگی تحت سرپرستی



سازمان بهزیستی قرار دارند و تقریباً از وضعیت اقتصادی یکسانی برخوردار هستند. طبق یافته‌ها با افزایش سواد و میزان تحصیلات، میزان مشارکت جوانان و نوجوانان نیز افزایش یافته است. بدین ترتیب افزایش سواد باعث افزایش استفاده بیشتر از وسایل ارتباط جمعی و در نتیجه، افزایش آگاهی افراد شده، در نتیجه، موجب آشنایی بیشتر آنها با حقوق خود می‌گردد. در این میان، بیشترین میزان مشارکت مربوط به گروهی است که دارای تحصیلات دبیرستانی هستند. این امر را شاید بتوان ناشی از فرایند شکل‌گیری هویت (استقلال‌طلبی، خطرپذیری، جستجوگری برای کشف حقیقت) دانست که این فرایند در محدوده سنی معینی قرار دارد و جوانان می‌توانند از طریق مشارکت به آنها دست یابند. کمترین میزان مشارکت مربوط به گروهی بود که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. علت این امر را می‌توان تا حدودی در عدم جوابگویی خدمات و امکانات موجود روستا به انتظارات آنها دانست.

نتایج نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت جوانان رابطه وجود دارد و با افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان آگاهی و مشارکت افراد افزایش می‌یابد. با توجه به نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه کشور، لزوم استفاده بهینه و مطلوب از این عنصر، توسط گردانندگان آن، جهت مشارکت مؤثر جوانان آشکار می‌گردد.

نتایج نشان داد که بین انگیزه‌ها و ارزشها و میزان مشارکت جوانان و نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنی که با تقویت انگیزه‌ها و ارزشهای والای انسانی در جوانان و نوجوانان میزان مشارکت آنان نیز افزایش می‌یابد.

بنابراین، درک و شناخت انگیزه‌ها و ارزشها که طیف وسیعی از عوامل مادی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی و ... را در بر می‌گیرند، ضرورت تقویت و حفظ آنها در جوانان و نوجوانان را که از وظایف مهم و اصولی مشارکت هرچه بیشتر این قشر در توسعه جامعه است، روشن می‌سازد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد با افزایش اعتماد و عزت نفس جوانان، میزان مشارکت آنان نیز افزایش می‌یابد در واقع این امر نشان‌دهنده آن است که برای مشارکت جوانان و نوجوانان، یک شرط اصولی، اعتماد و اطمینان به آنها از طرف بزرگسالان و تصمیم‌گیران است.

آنچه از یافته‌های مقاله برمی‌آید نشانگر این امر است که سن و جنس جوانان و نوجوانان روستایی شهرستان کرمان در میزان مشارکت آنان مؤثر نبوده است؛ ولی تفاوت‌هایی در نوع مشارکت آنان مشاهده گردید، بدین صورت که دختران بیشتر علاقه‌مندند در فعالیتهای



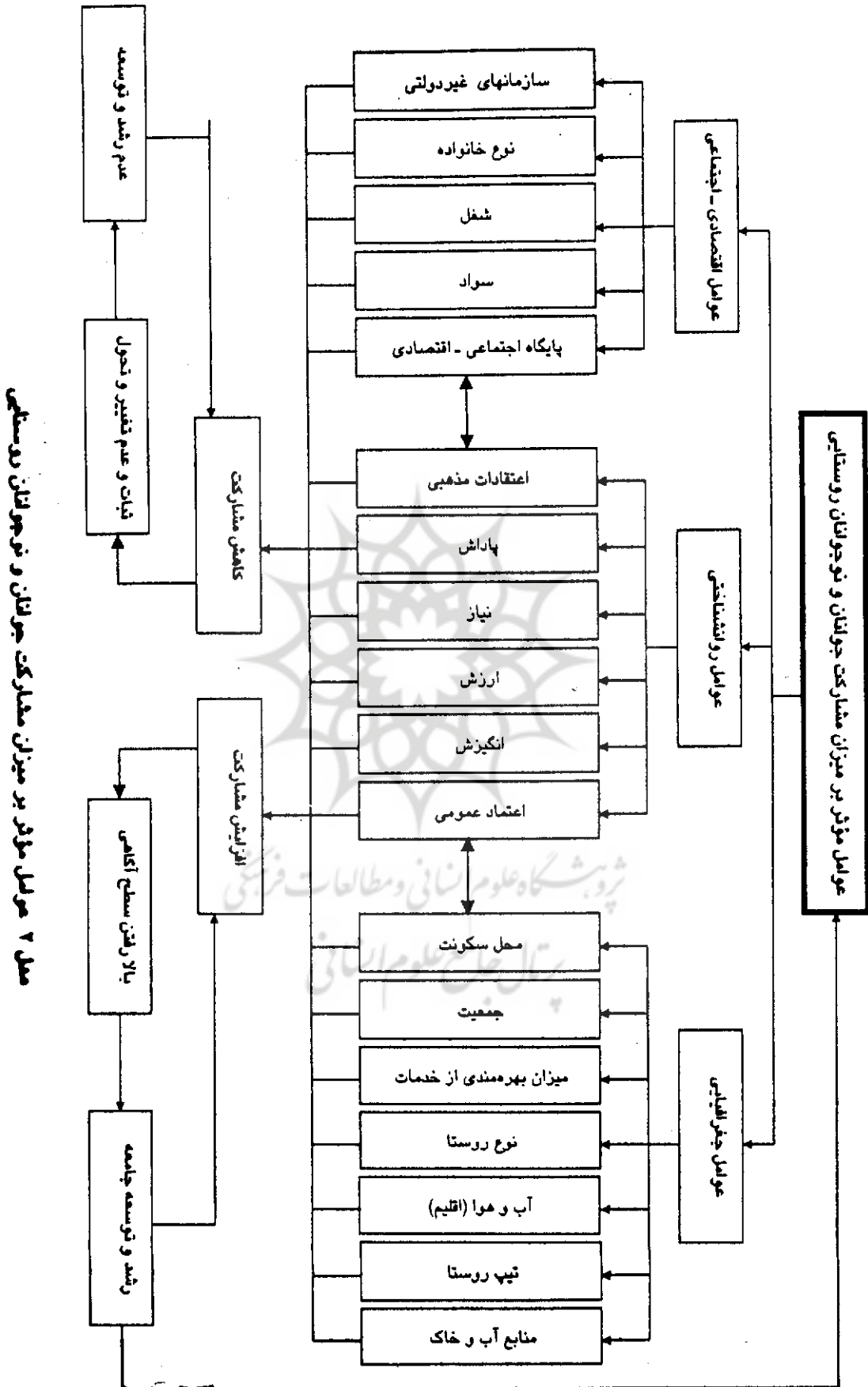
مذهبی و مراسم عزاداری و فعالیتهای سیاسی شرکت کنند، اما پسران علاقه‌مند هستند در فعالیتهای عمرانی و عام‌المنفعه، فعالیتهای ورزشی و فعالیتهای تفریحی مشارکت کنند. علاوه بر این، دختران نگرش مثبت‌تری به مقوله مشارکت دارند. شاید علت این امر این باشد که در حال حاضر دختران فرصتهای کمتری نسبت به پسران دارند و این محدودیت، انگیزه مشارکت را در آنها تشدید می‌کند.

از سوی دیگر، نوجوانان، علاقه‌مند به فعالیتهای ورزشی، تفریحی، کلاسهای آموزشی، شرکت در اعیاد و جشنها هستند و جوانان بیشتر به مشارکت در طرحهای عمرانی، مشارکت در انجمنها و مشارکت و مشورت با شورای اسلامی روستا علاقه دارند. شاید بتوان گفت ویژگیهای سنی این دو گروه در این امر مؤثر بوده است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه جوانان و نوجوانان، مهمترین دلایل عدم شکل‌گیری سازمانها و نهادهای داوطلبانه توسط ایشان به ترتیب: عدم وجود امکانات مالی کافی برای ایجاد این گونه سازمانها، عدم حمایت مستمر و مفید دولت، عدم همکاری و همفکری سایر روستاییان، و دور بودن از مراکز شهری بوده است. همچنین مهمترین علل عدم مشارکت جوانان و نوجوانان در فعالیتهای مشارکتی به ترتیب از نظر آنان عبارت است از: پایین بودن سن جوانان، عدم انجام کارهای محول شده به جوانان، تجربه کم آنان و عدم همراهی مستمر تا پایان کارها (مدل ۲).

نتایج نشان می‌دهد خوشنامی و درست‌کار بودن جوانان، روحیه دوستی و رفاقتی، توان مدیریتی و توان تخصصی آنان از مهمترین عوامل پذیرش و موفقیت مدیریت سازمانهای غیردولتی توسط جوانان در روستاها به شمار می‌روند. همچنین از نظر دستیابی به اهداف سازمانهای غیردولتی جوانان و نوجوانان، مهمترین آنها را تقویت حس اعتماد در جوانان، تقویت ابتکارات جمعی، آشنا کردن جوانان با حقوق خود، تقویت فرایند وظیفه‌مند کردن جوانان و ترویج سازمانهای خودجوش روستایی می‌دانند. علاوه بر این، از نظر جوانان، مهمترین فعالیتهایی که سازمانهای غیردولتی جوانان می‌توانند در روستاها انجام دهند به ترتیب عبارتند از: فعالیتهای عمرانی و بهداشتی، پر کردن اوقات فراغت، فعالیتهای اجتماعی و زیست محیطی. این عوامل به نوعی نشان‌دهنده کمبود خدمات و تسهیلات مختلف بخصوص خدمات بهداشتی در سطح روستاهای منطقه مورد مطالعه است.

در ضمن مشارکت با بزرگسالان در تهیه برنامه و اتکای بیشتر بر نظریات مردم نیز از مهمترین شیوه‌های برنامه‌ریزی از نظر جوانان و نوجوانان روستایی می‌باشد.



محل ۲ عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی

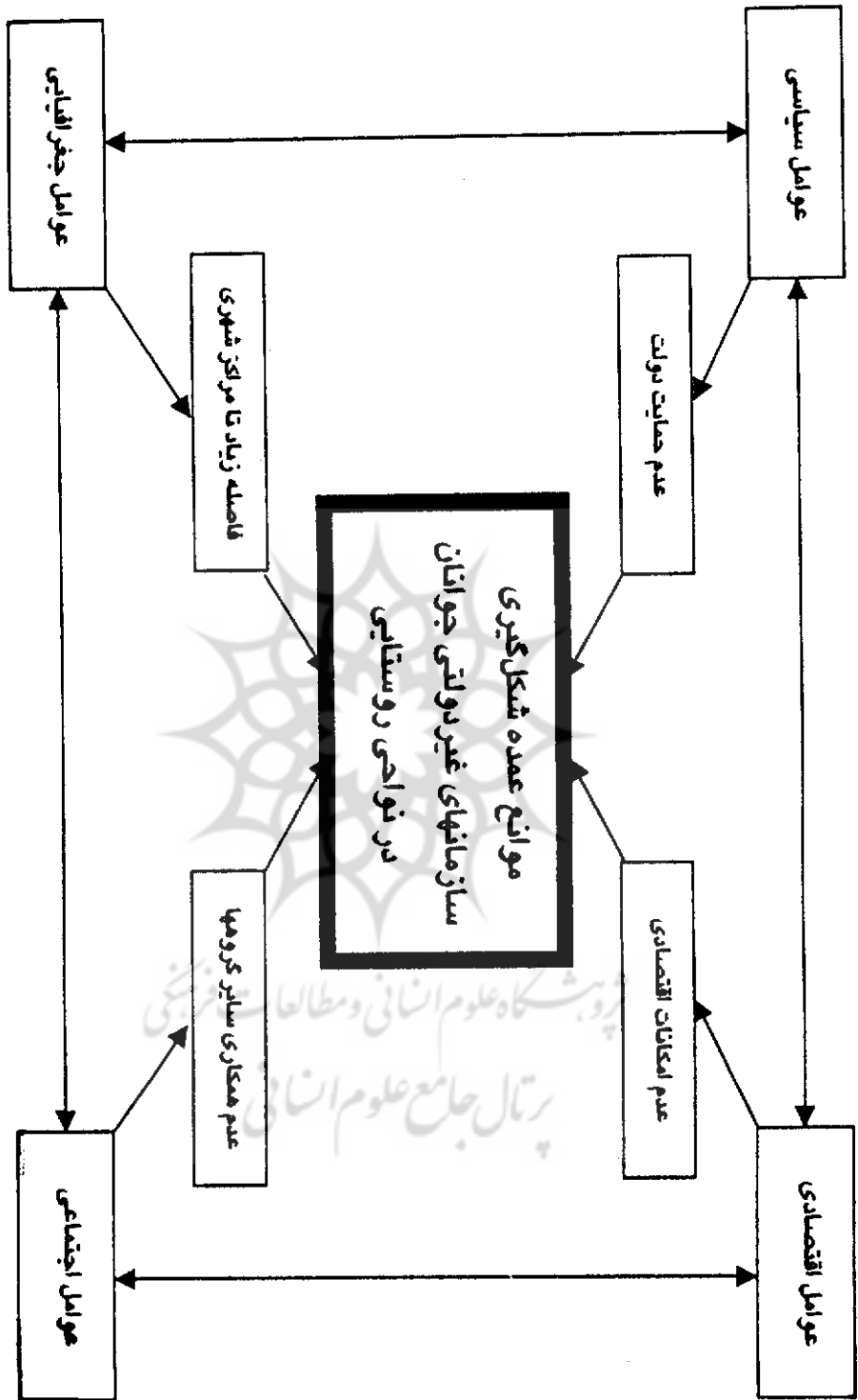
سرانجام مهمترین ویژگیهایی که یک سازمان خودجوش مردمی از دیدگاه جوانان روستایی می‌تواند داشته باشد به ترتیب عبارت است از: داوطلب بودن اعضا، توانمندسازی و قدرت بخشی به مردم. ترکیب کردن دانش و منابع روستا با دانش جدید و ارائه برنامه‌های متناسب با نیازهای روستاییان. عوامل مؤثر بر میزان مشارکت و نیز موانع عمده شکل‌گیری سازمانهای غیردولتی و راهبرد مناسب فعالیتهای سازمانهای غیردولتی به صورت مدل ۲ ارائه می‌گردد.

۶- نتیجه‌گیری

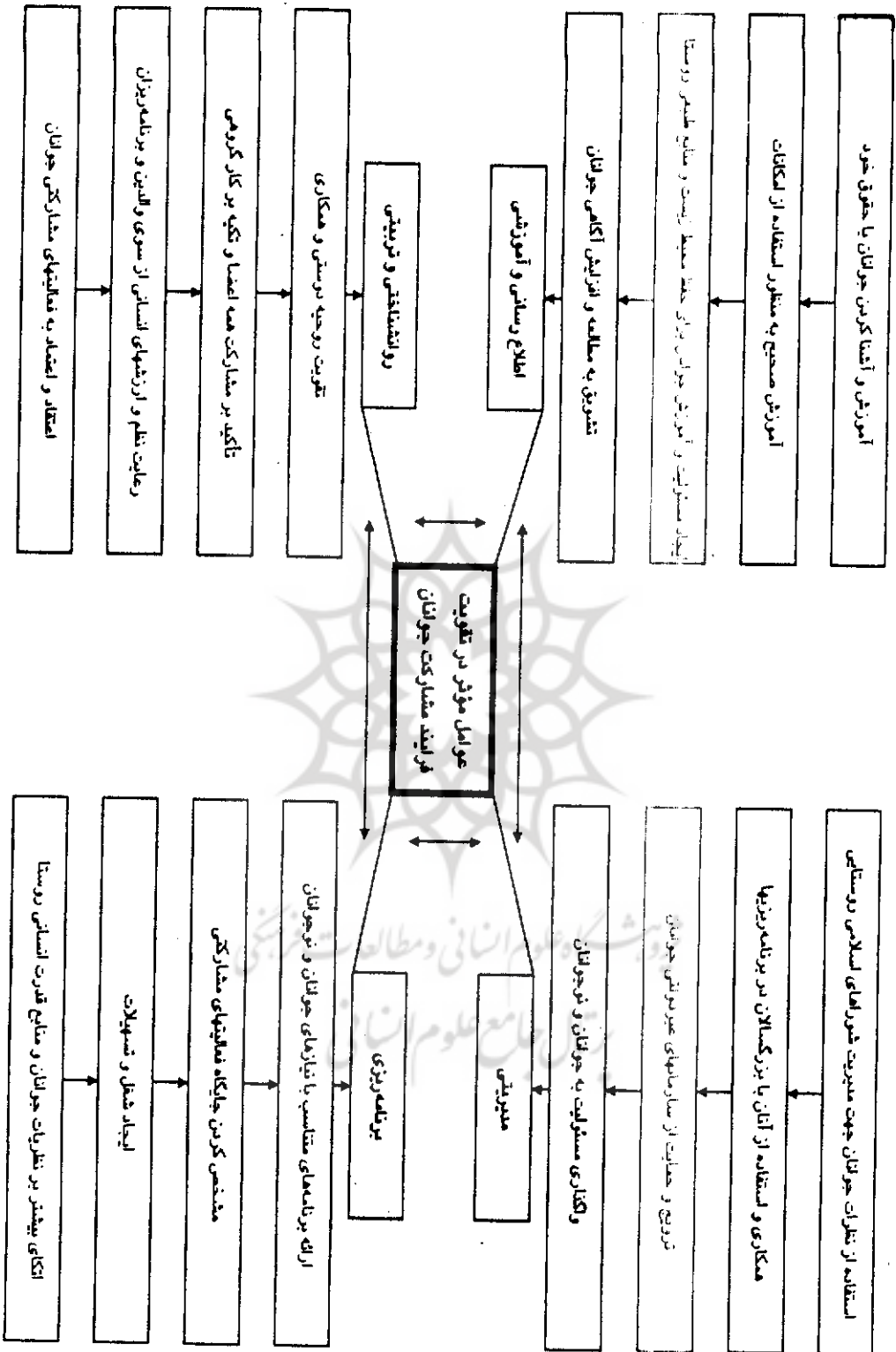
به طور کلی بر اساس مبانی نظریه‌ای و یافته‌های میدانی می‌توان گفت که اشتیاق و علاقه‌مندی‌ای که جوانان و نوجوانان برای سهم شدن در فعالیتهای اجتماعی و ایفای نقش در مشارکتهای اجتماعی دارند قابل توجه است، اما از سهمی که در شرایط فعلی در فعالیتهای مشارکت‌جویانه دارند کله‌مند هستند. به نظر می‌رسد یک جامعه پویا باید چنان شرایطی را ایجاد کند که اکثریت قریب به اتفاق جوانان بتوانند انرژی و شور و شوق خود را در مشارکتهای اجتماعی صرف کنند و در پیشرفت جامعه خود سهم بسزایی داشته باشند. مشارکت دادن بیشتر جوانان در امور اجتماعی و به حرکت درآوردن این نیروی عظیم ضرورتی است که باید به طور جدی آن را بر خود فرض بدانیم و راهکارهای مناسب برای این امر را از طریق خود جوانان کشف کنیم و با همکاری آنها به مرحله عمل درآوریم.

علاوه بر این، فعالیتهای مشارکتی زمانی قادرند مسیر مثبت خود را ببیمایند که عاملان آنها درک صحیح و تعهد اخلاقی را حین تلاش از دست ندهند. مشارکت جوانان و نوجوانان دارای ملزوماتی است که در مرحله اول، داشتن وحدت فکری و احساس مشترک است. در واقع، نوعی نیاز و هدف مشترک لازم است تا مشارکت و همکاری برای رفع آن نیاز یا رسیدن به آن هدف انجام پذیرد. از سوی دیگر، حضور همیشگی ارزشها و انگیزه‌های والای انسانی در عرصه رفتارها و فعالیتهای مشارکتی سبب می‌شود که نیتهای منفی، خودمدارانه و منفعت‌طلبانه شخصی افراد و مسئولیت ناپذیری آنها به میزان زیادی تقلیل یابد.

با عنایت به یافته‌های نتایج این تحقیق، توصیه‌هایی که به عنوان پیشنهادهای سیاستگذاری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، این است که خانواده‌ها و مسئولان با همراهی و همکاری فعال جوانان برای اینکه بتوانند ایشان را به تقویت فکر و عمل مشارکت قوی رهنمون سازند به موارد زیر توجه کنند (مدل ۴).



مدل ۲: موانع عمده شکل‌گیری سازمانهای غیردولتی جوانان در نواحی روستایی از دیدگاه جوانان و نوجوانان روستایی



محل ۳ عوامل مؤثر در تقویت فرایند مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی



۶-۱- بعد مدیریتی

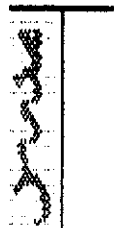
واگذاری مسئولیتها به جوانان و نوجوانان با توجه به شرایط فضایی و مکانی (جمعیت شناسی) جهت آماده‌سازی و تقویت حس اعتماد و عزت نفس آنها. ترویج و حمایت از سازمانهای خودجوش و غیردولتی که توسط جوانان اداره می‌شوند.

۶-۲- اطلاع رسانی و آموزش

تشویق و ترغیب جوانان به مطالعه و تلاش جهت افزایش آگاهی علمی و اجتماعی جوانان و نوجوانان روستایی. آموزش صحیح و اصولی جوانان و نوجوانان برای حداکثر استفاده از امکانات، خدمات و تسهیلات بخصوص در نواحی روستایی که با کمبود این امکانات مواجهند. ایجاد تقویت حساسیت و مسئولیت در جوانان و نوجوانان نسبت به حفظ و حراست از محیط زیست و منابع طبیعی روستا.

۶-۳- روانشناختی (انگیزشی) و تربیتی

تقویت روحیه همکاری و مشارکت جوانان و نوجوانان در فعالیتهای عام‌المنفعه. تشویق و اهتمام جوانان و نوجوانان به مشارکت در فعالیتهای مذهبی و فعالیتهای سیاسی جهت درگیر نمودن آنها در سرنوشت خود. تشویق روحیه دوستی و رفاقتی در جوانان و نوجوانان جهت مدیریت فعالیتهای مشارکتی که توسط جوانان و نوجوانان صورت می‌گیرد. مشارکت جوانان و نوجوانان در فعالیتهای همراه با بزرگسالان و متخصصان جهت آشنا کردن آنها با چارچوب فعالیتهای مشارکتی. رعایت نظم و ارزشهای انسانی از سوی والدین و سایر برنامه‌ریزان جهت القا به جوانان و نوجوانان. تأکید و اهتمام به مشارکت همه اعضا و تکیه بر کار گروهی در شیوه‌های برنامه‌ریزی جوانان و نوجوانان. اعتقاد به این تفکر که جوانان توانایی انجام امور و فعالیتهای گوناگون را دارند.



۴-۶- برنامه‌ریزی

تلاش جهت ایجاد شغل و ترغیب جوانان و نوجوانان روستایی جهت کار و تلاش سازنده در منزل و خارج از آن توسط سازمان بهزیستی. ارائه برنامه‌های متناسب با نیازهای جوانان و نوجوانان روستایی جهت مشارکت هرچه بیشتر آنها در امور مربوط به خود. معرفی و مشخص کردن جایگاه فعالیتهای مشارکتی جهت راهنماییهای علمی و عملی جوانان و نوجوانان در فعالیتهای اجتماعی. و سرانجام داشتن یک راهبرد برای اقدام مشارکت‌جویانه در برنامه‌ریزیهای ملی، منطقه‌ای و محلی.

۷- منابع

- [1] Brohman, John, Popular Development, Blackwell Publisher, 1998.
- [2] Jenniny, Ray, Participatory Development as New Paradigm: The Transition of Development Professionalism, Washington, DC, 2000.
- [۳] اوکلی، پیتر و مارسدن، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۰.
- [4] ESCAP, Youthpolicy Formulation, United Nation Publication, 2000.
- [5] ESCAP, Youthparticipation, United Nation Publication, 2000.
- [۶] محسنی تبریزی، علیرضا، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- [7] Petts, Judith, Handbook of Environment Impact Assessment, Blackwell-science, 1999.
- [۸] طالب، مهدی، «ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی»، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی و مشارکت و توسعه، ۱۵-۲۸، ۱۳۷۸.
- [۹] رضایی عبدالعلی، «مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س. ۱۳، ش ۱۰۹-۱۱۰، ۱۳۷۵.



- [۱۰] شرفی محمدرضا، دنیای جوان، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۲.
- [۱۱] خدایاری فرد، محمد، مسائل جوانان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
- [12] Lerner, Danial, The Passing of Traditional Society, New York, 1984.
- [13] Lipest, Semourmartin, Politicalman, New York, Aneherbook, 1980.
- [14] Patterson, guy, "Talking with Young People about Planning and Design in Gibsons, Urban Pesing Studio, Fall Semester, 2000.
- [15] Mc Clelland, David & Winter D.C., Motivationg Economic Achievment, New York, 1971.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی